

🌀 کوتاہ از حوادث

شهدای زاهدان به ۳ نفر رسید

شمار شهدای حادثه تروریستی در زاهدان به سه نفر افزایش یافت.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس سیستان و بلوچستان، علی اصغر گلدوی، یکی دیگر از مجروحان حادثه تروریستی تیراندازی به سمت واحد گشت پلیس در زاهدان، به شهادت رسید. در این حادثه تروریستی که چند روز پیش رخ داد، سه نفر از مأموران شامل استوار یکم محمدرضی نظام دوست، ستوانیکم علی مؤمنی و علی اصغر گلدوی به شهادت رسیدند. یک مأمور دیگرهم در بیمارستان بساطی است.

بخشش زن اعدامی

زن اعدای به حرمت ایام ولادت امام هشتم به رضایت خانواده مقتول مورد بخشش قرار گرفت. به گزارش روابط عمومی دادگستری، حجت الاسلام علی فرجی برحق، رئیس کل دادگستری استان زنجان در مراسم بخشش خانواده مقتول از قصاص کذا فرزند خود، اظهار کرد: این زندانی در سال ۱۴۰۳ در شهرستان خرم دره اقدام به قتل همسر خود کرده بود که پس از فرایند رسیدگی در دادگاه و تأیید در دیوان عالی در آستانه اجرای حکم بود که با پیگیری و میانجیگری رئیس دادگستری، دادستان خرم دره خانواده مقتول به حرمت ایام رضا (ع) او را بخشیدند و وی از قصاص رها شد.

شکار باند زورگیران



 پلیس آگاهی تهران بزرگ موفق به دستگیری اعضای باند چهار نفره سارقان زوگیر شد که با اسلح گرم به توقف خودرو و ربایش یکی از شهروندان اقدام کرده بودند. به گزارش مرکز اطلاع‌رسانی پلیس، متهمان با طرح و برنامه قبلی، پس از شناسایی مالباخته، خودروی وی را به خارج از شهر منتقل و اموال ارزشمند شامل ۴ هزار دلار، مقداری طلا و تلفن همراه، وی را در حاشیه شهر رها کردند. مالباخته از ناحیه دست و شکم هدف شلیک گلوله قرار گرفته و مصدوم شده بود. همه اعضای این باند دستگیر شدند. در بازسازی از منازل آنها اموال مسروقه، سلاح‌های اسفاده شده نیز کشف شد.

جوان فوتبالیست زندگی بخشید

 دو کلیه فوتبالبست مرگ مغزی شده با اقدام انسان دوستانه خانواده‌اش به بیماران اهدا شد. به گزارش ایرنا، علیرضا شیرالی، فوتبالبست ۱۸ ساله اهل شهرستان رامهرمز و عضو تیم فوتبال جوانان استقلال خوزستان در حادثه تصادف دچار مرگ مغزی شده و در بیمارستان تحت درمان بود اما مرگ مغزی‌اش از سوی پزشکان تأیید شد. خانواده‌اش با اقدامی نیکوکارانه اعضای بدن او را اهدا کردند. کلیه‌ای که در بیمارستان گلستان اهواز جداسازی و به دو بیمار پیوند زده شد.

هلاکت ۳ شرور مسلح

 فرمانده انتظامی استان کرمان از هلاکت سه
شور و کشف بیش از یک تن مواد مخدر در کویر
شهداد مسلح خبر داد. سردار موقوفه‌نی به سایت پلیس
گفت: مأموران یگان تکاوی ابودر پلیس استان کرمان در
پی رصد اطلاعاتی دقیق در دل کویر، تحرکات یک باند
قاجاق محموله‌های سنگین مواد مخدر را تحت واکاوی
قرار دادند و آخرین تحرکات و نقاط تردد آنها را شناسایی
کنند. وی افزود: تکاروان در عملیات شبانه در کویر حوزه
شهداد، سردار این باند شدند. با چندی ساعت تحقیق و
مقابت و تیراندازی دو سیه همراد، موفق شدند
خودروی حامل بیش از یک تن مواد مخدر را متوقف و
سه شور مسلح را به ملک بردارند. چند قبضه سلاح
جنگی، آربی جی و مقادیر زیادی مهمات نیز کشف شد.

متهم و محتویات مجرمانه کشف شده داخل گوشی وی و دیگر مدارک موجود، بیانگر انگیزه و قصد و نیت نامبرده از حضور وی در اغتشاشات بوده است. با توجه به موارد مذکور، اعتراف‌های صریح و دفاعیات بلاوجه متهم و اظهارات ضد و نقیض او و سایر زبائن و مستندات موجود در پرونده، ساسان آزادار به اتهام محاربه به اعدام محکوم شد. پس از صدور رای، پرونده در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار گرفت. قضات دیوان عالی کشور نیز با استناد و مدارک موجود در پرونده، حکم صادره را تأیید کردند. سرانجام پس از طی روال قانونی، حکم اعدام باامداد پخش‌شبه اجرا شد.

امینیت از محل گریخته اما مجدداً اقدام به پرتاب سنگ و آجر به سوی مأموران کرده بود. محکوم علیه در تشریح اقدامات خود بیان داشته بعد از شکستن شیشه‌های خودرو با علم به حضور مأموران در خودرو، به دنبال تهیه بنزین برای آتش زدن خودرو بوده که موفق نشده است. ساسان آزادوار در جلسات دادگاه نیز که با حضور وکیل و ییگزارد شد جزئیات اقدامات خرابکارانه خود را تشریح کرد. پاسی از تشکیل جلسات دادگاه و اخذ دفاعیات متهم و وکیل وی، قضای این پرونده به صورتورای کرد.

حکم دادگاه آمده است: گزارش‌های نهادهای امنیتی، مستندات موجود، صحنه باسازی جرم، کشف چماق متعلق به

سازان آزادوار به جرم «همکاری مؤثر با دشمن» از طریق حمله به مأموران نیروی انتظامی، در اصفهان اعدام شد. محکوم علیه اعتراف کرده است پیش از حضور در تجمعات به دعوت موساد به اطرافیان خود اعلام کرده که با هدف براندازی نظام در خیابان حاضر خواهم شد و دوستان خود را نیز به حضور اغتشاشات دعوت کرده است. وی در یکی از خیابان‌های اصفهان در حالی که نیروهای انتظامی داخل خودرو بودند با سنگ و چاقو به مینی‌بوس حامل مأموران و همچنین مینی‌بوس‌های عمومی شهری حمله‌ور شد و شیشه‌های خودروها را شکسته بود. در ادامه به حضور نیروهای حافظ

اعدام عامل حملہ

به مأموران انتظامی

ادعای قاتل برادرزن در دادگاه

ارتکاب جنایت متواری شده بود. بررسی‌ها نشان می‌داد او احتمالاً از کشور خارج شده و به افغانستان گریخته است. همین موضوع باعث شد روند دستگیری او با پیچیدگی‌های بیشتری مواجه شود. رهنمایت و بازگشت حدود سه سال از وقوع قتل، به دلیل عدم دسترسی به متهم، پرونده با صدور کفرخواست برای رسیدگی غیابی به شعبه دهم دادگاه کبفری یک استان تهران ارسال شد.

با این حال، قضات دادگاه پس از بررسی دقیق پرونده، آن را برای تکمیل تحقیقات و شناسایی دقیق محل اختفای متهم به دادسرا بازگرداندند. آنها با اشاره به برخی سرخ‌های موجود در پرونده، خواستار ادامه تلاش‌ها برای دستگیری متهم فراری شدند. این تصمیم موجب شد تا پرونده بار دیگر در دستور کار جدی پلیس قرار گیرد.

سرانجام پس از گذشت چهار سال از این جنایت، ردپای نصیر در تهران شناسایی شد. تیمی از مأموران پلیس با انجام اقدامات اطلاعاتی و عملیاتی، موفق شدند محل اختفای او را شناسایی و در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر کنند. با انتقال متهم به اداره آگاهی، بازجویی‌ها از او آغاز شد.

نصیر در جریان تحقیقات، اصل دیگری با مادر را پذیرفت اما مدعی شده که قصد قتل نداشته و در دفاع از خود، مرتکب این اقدام شده است. او در توضیح ماجرا گفت: «من با مادر پسر خاله‌ام اختلافی نداشتم، روز حادثه برای بردن همسر و فرزندم به خانه پدرزنم رفتم اما دخالت‌های پدرزنم، باعث ایجاد تنش شد. مراد مقابلم ایستاد و دیگری میان ما مشکل گرفت. در آن شرایط، برای دفاع از خودم به او ضربه زدم.» پس از تکمیل تحقیقات، برای متهم به اتهام قتل عمد کیفرخواست صادر شد و پرونده باردیگر برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال گردید. در جلسه دادگاه، اولیای دم مقتول، به‌ویژه پدر او با حضور در جایگاه، خواستار اجرای حکم قصاص شدند. پدر مقتول در تشریح جزئیات روز حادثه گفت: «نصیر رفتار مناسبی با دختر و نوهام ندانست و به‌پارها به او تودک داده بودم. روز حادثه، نوهام را برای تزیین او اکسن به درمانگاه برده بودند و حالش خوب نبود. نصیر در اوج عصبانیت، کودک را به زمین کوبیده بود. دخترم وحشت‌زده با من تماس گرفت

مرد جوان که در جریان درگیری خونین،
برادرزنش را به قتل رسانده بود در دادگاه ادعای
دفاع از خود را مطرح کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده جنایی از سال ۱۳۹۹ و در پی گزارش مرگ مشکوک پسر جوانی در شهرستان بهارستان در غرب استان تهران در دستور کار پلیس و دستگاه قضایی قرار گرفت. ماجرا از زمانی آغاز شد که مأموران با اعلام مرکز درمانی، در جریان مرگ جوانی ۲۲ ساله به نام مراد قرار گرفتند؛ جوانی که بر اثر اصابت ضربه چاقو به پهلوی به شدت مجروح شده و پس از انتقال به بیمارستان، به دلیل شدت خونریزی و جراحات وارده جان خود را از دست داده بود. بررسی‌های اولیه در محل حادثه نشان می‌داد که درگیری خونینی در خانه این جوان رخ داده و همین موضوع، فرضیه وقوع یک قتل خانوادگی را تقویت کرد.

با آغاز تحقیقات میدانی و بازجویی از اعضای خانواده مقتول، سرخ‌ها خیلی زود به یکی از نزدیکان خانواده رسید. طبق اظهارات آنان، همین جنایت کشنده نیز ضمیمه دادما، خانواده نبود و موضوع باعث شد تا پرونده وارد مرحله تازه‌ای شود و تلاش‌ها برای شناسایی و دستگیری متهم آغاز گردد.

در جریان تحقیقات مقدماتی، خواهر مقتول که همسر متهم نیز هست، در اظهاراتی تکان دهنده جزئیات بیشتری از اختلافات خانوادگی را فاش کرد. او گفت: «من و نصیر نسبت فامیلی داریم و یک سال پیش با هم ازدواج کردیم. دو ماه قبل صاحب فرزند شدیم اما تولد دخترمان باعث تغییر رفتار همسرم شد. او به شدت علاقه منده به داشتن فرزند پسر بود و وقتی متوجه شد صاحب دختر شده‌ایم، فشارش به من زیاد شد. به مرور، رفتارهای خشن و غیرقابل کنترل کلی من و فرزندم را آزار می‌داد. حتی احساس می‌کردم ممکن است به دخترمان آسیب بزند.»

او دارادمه افزود: «برای حفظ جان خودم و فرزندانم، به خانه پدرم پناه بردم تا شاید با دخالت خانواده‌ها، رفتار نصیر اصلاح شود اما شب حادثه، او به خانه پدرم آمد. در آنجا با برادرمراد درگیر شد و در جریان این درگیری، با ضربه چاقو او را به قتل رساند.» با توجه به این اظهارات، تلاش پلیس برای دستگیری متهم شدت گرفت، اما نصیر پس از

درگیری ۲ همسایه رنگ خون گرفت

مردی که در درگیری با همسایه‌اش او را با شلیک دو گلوله سلاح شکاری به قتل رسانده بود، بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، شامگاه یستم ۱۱ تهران تماس گرفت و اعلام کرد چند نفر از ساکنان ساختمانی در محله جوادیه تهرانپارس با هم درگیر شده‌اند. مأموران برای بررسی ماجرا با اعزام به محل مشاهده کردند که دو همسایه هاهدف اصابت گلوله‌هایی با سلاح شکاری قرار گرفته و زخمی شده است. امدادگران اورژانس مردمی را به بیمارستان منتقل کردند.

مأموران به تحقیق از همسایه‌ها پرداختند که معلوم شد دعوای ابتداء در خیابان میان دو همسایه رخ داده و بعد به داخل ساختمان کشیده شده است. همسایه‌ها سعی کردند میانجی‌گری کنند و دعوای اربابان را دهنده‌ها موفق نشدند. با شدت گرفتن دگرگیری یکی از همسایه‌ها با سلاح شکاری، و تیر به مرز همسایه شلیک و بعد با تهدید بقیه حاضران فرار کرد.

با شناسایی هویت ضارب فراری جست‌وجوی پلیس برای دستگیری او ادامه داشت تا این‌که همان شب به پلیس خبر رسید، مرد زخمی به دلیل شدت خونریزی فوت کرد. با مرگ وی پرونده رنگ جانیات به خود گرفت و موضوع این قتل به بازپرس کشیک قتل دادسرای جانیات تهران گزارش شد. با دستور او تیمی از مأموران اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت جست‌وجوها برای یافتن متهم به قتل فراری را آغاز کردند. این در حالی بود که خانواده متهم قول در اداره پلیس از ااتل شکایت کرده بودند.

جست و جوها همچنان برای دستگیری متهم ادامه داشت تا این که پس از گذشت بیش از بیست روز از این جنایت سرانجام رد قاتل فراری در خانه ای در اطراف تهران به دست آمد و او در آنجا بازداشت شد.

متهم با انتقال به اداره دهم پلیس
آگاهی تهران بازجویی شد
و گفت: با مقتول در یک
ساختمان همسایه
بودیم. اوایل اختلاف
آنجنانی باهم
نداشتیم اما از
چندی قبل او
مدام در خانه‌اش
سرو و صدامی کرد
و باعث سلب آسایش
من و خانواده‌ام شده بود.
این سرو صدا حتی به راه
پله‌ها و خیابان هم کشیده
شده بود. چند مرتبه بابت
این رفتارهایش تذکر
دادم و خواستم دست از
مراحت بردارد که گفت
شرایط را درست می‌کند
و عذرخواهی کرد و رفت
اما چند روز بعد دوباره
شرایط را بدتر کرد.
همین سرو صداهای او
باعث اختلاف و درگیری
میانمان شد. آن شب



هم دوباره او را در نزدیکی خانه دیدم و به رفتارهای اعتراض کردم و خواستم سرو صداهايش را کم کند اما توجهی نکرد و حتی از من خواست از این ساختمان بیروم تا آرامش بگیرم. همین موضوع باعث شد بیشتر عصبانی شوم. با او در خیابان دعوا کردم. سرو صدایمان بالاگرفت و این دعوا به حیاط ساختمان کشیده شد. با من رفتن به خانه ام سلاح شکاری که داشتم را برداشتم و به سمتش آمدم. همسایه ها سعی کردند میانجیگری کنند که نتوانستند. دو تیر به او شلیک کردم و بعد متواری شدم. تصور کردم او زخمی شده و زنده می ماند اما این طور نشد و فوت کرد و من قاتل شدم.

سرهنرگ مرتضی نشاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف اولیه متهم به قتل او با هماهنگی قضایی در بازداشت او سری برد و تحقیقات از وی همچنان در پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

کشف جسد زن تنها ۳ هفته بعد از مرگ

نوکى فوت کرد و جسد او بعد از سه هفته در اتاق خوابش

روزهای پایانی هفته گذشته نیز با پلیس ۱۰ تهران تماس گرفت. وی از خانه همسایه میانسالی که در طبقه دوم ساختمانی می‌کند به مشام می‌رسد. بعد از آن تیمی از مأموران انتظامی اعزام شدند و هرچه در زدند، زن صاحبخانه در باز نکرد. همسایه مأموران به تحقیق از همسایه‌ها پرداختند که یکی از آنها می‌گوید: «من به یاد دارم که در این آپارتمان تنها زندگی می‌کردم و با ساکنان ساختمان داشتم. اقوام و دوستان نیز گاه به گاه به آنجا می‌رفتند. من سفر می‌رفتم و مدتی بعد بازمی‌گشت. آخرین باری که به آنجا رفتم، مرد دیگری از او نداشتم و نامی نداشتم. من شام می‌رسید، گمان کردم شاید همسایه‌ها زباله را در یک هفته این بوی که بیشتر شد و من رد آن را گرفته‌ام تا به ما حره‌ها نزدم. در باز نکرد. تصور کردم شاید به سفر رفته و خانه خارج کند. تلفن همراهش نیز خاموش بود. خلاصه سه مضموع هر روز بیشتر می‌شد تا کار به جایی رسید که همین سه ساعت آن بود. به همین خاطر از پلیس کمک خواستیم تا همدم تلک این بوی نامطبوع چیست.

اما آن‌که که مورد تحقیق قرار گرفتند گفته‌های مشابهی را مطرح نمودن ماجرا مأموران با هماهنگی قضایی قفل در خانه این زن شدند. در ادامه شدت بوی نامطبوع بیشتر می‌شد و رد آن خواب‌های خانه رسیدند. این در حالی بود که خانه این زن اتاق خواب را باز کردند با صحنه عجیبی روبه‌رو شدند و دیدند ملور مشکوی فوت کرده است.

در محک قتل داسرای جنایی تهران و پلیس جنایی اطلاع از آنها در شکل کشف جسد و بررسی‌های اولیه، معلوم شد که دهنشته و علت آن به‌درستی معلوم نبود. بنابراین با هماهنگی رای جنایی تهران جسد این زن به پزشکی قانونی ارسال شد.